

و نقش آنها نیز مانند نقش خود او صرفاً نقشی ارشادی خواهد بود. ولی در "ایران اسلامی" او، عمامه داران کلیه مقامات بالای حکومتی: ریاست جمهوری، نخست وزیری، وزارت، سفارت، ریاست دیوان عالی کشور، استانداری، فرمانداری، اداره امور مقننه و قضائیه و رسانه های گروهی را در انحصار خود گرفتند، و رهبر عالیقدر انقلاب اعلام کرد که آنهائیکه میگویند روحانیون نباید مصادر امور حکومتی باشند دشمنان خدا و رسولند و میخواهند اسلام را از بین ببرند.

در نوفل لوشاتو بیست و یکبار موکداً قول داد که دولت اسلامی دولتی کاملاً دمکراتیک خواهد بود، همه نهادهای فشار و اختناق در آن از میان خواهد رفت، هرکس خواهد توانست عقیده خودش را آزادانه بیان کند، مطبوعات و رادیو و تلویزیون در نشر همه واقعیات آزاد خواهند بود، تشکیل هرگونه احزاب و اجتماعات حتی احزاب کمونیستی مجاز خواهد بود، تمام اقلیتهای مذهبی برای اجرای آداب دینی خود آزادی کامل خواهند داشت، دولت اسلامی تمام منطوقها را با منطق جواب خواهد داد و تمام مسائل فقط به استناد متمم قانون اساسی مطرح خواهند شد، و برنامه سیاسی آن آزادی و دمکراسی حقیقی خواهد بود. ولی هم او، در همان نخستین ماه بازگشت خود به ایران، در همین باره گفت: "به اینهایی که از دمکراسی حرف میزنند گوش ندهید. اینها با اسلام مخالفند. هر کس جمهوری بخواهد دشمن ما است، هر کس صحبت از جمهوری دمکراتیک بکند دشمن اسلام است. اینهایی که فریاد می زنند که باید دمکراسی باشد اینها مسیرشان غیر از ما است. مگر شما انقلاب کردید که مثل سویس بشوید؟ ما قلمهای مسموم آنهائی را که صحبت ملی و دمکراتیک و اینها را میکنند میشکینم. به این روشنفکران هشدار میدهم که اگر از فضولی دست برندارید سرکوب خواهید شد."

در نوفل لوشاتو بارها تأکید کرد که: "در حکومت اسلامی ما از نظر حقوق انسانی تفاوتی میان زن و مرد نخواهد بود. زنها در جمهوری اسلامی در نوع پوشش خود، نوع تحصیلات خود، نوع فعالیت خود کاملاً آزاد خواهند بود، بهمانطور که مردها آزادند"، و در "حکومت اسلامی" او زنان بصورت ضعیفه ها بدرون چادر فرستاده شدند، و اعلام شد که از نظر شرعی زنان باید از تفکرهای سنتی در مورد حقوق زن و مرد پرهیز کنند،

زیرا این امر بعهدده روحانیون و آگاهان مذهبی است و نه خود آنها، و "گشودن مباحثی بنام حقوق زن یک پدیده غربی ناشی از یک بینش غیرتوحیدی و نشانی از یک بیماری غرب زدگی است". و وقتیکه گفته آیت اله موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور و بلندپایه ترین مرجع قضائی جمهوری در خطبه نماز جمعه که "وظیفه زن در اسلام این است که کنیز مرد باشد" مورد اعتراض خانم گوهرالشریعه دختر آیت اله شهید دستغیب شیرازی و نماینده مجلس شورای اسلامی قرار گرفت، مقام عالی قضائی جواب داد که آنچه گفته است دقیقاً قانون اسلام است و جای عذرخواهی ندارد!

در نوفل لوشاتو، مدعی شد که فقط مطالبه حقوق اولیه بشر را در ایران دارد و چیزی بجز اجرای دقیق بیانیه حقوق بشر نمیخواهد، ولی هم او در همان نخستین روزهای بازگشت، در فیضیه قم حقوق بشر را ساخته و پرداخته استکبار دانست و ادعا کرد که همه اینهایی که صحبت از حقوق بشر میکنند عمال استعمار هستند.

در نوفل لوشاتو قول داد که در حکومت اسلامی هر فردی در دادن یا ندادن رأی آزاد خواهد بود و رأی او هرچه باشد محترم شمرده خواهد شد. ولی هم او در فردای رفراندوم فروردین ۱۳۵۸ اخطار کرد که ما همه اینهایی را که به جمهوری اسلامی رأی ندادند یا انتخابات را تحریم کردند منافق میدانیم و طوری سرکوبشان میکنیم که از این جرثومه های فساد اثری باقی نماند.

در نوفل لوشاتو تعهد کرد که در ایران اسلامی حقوق هر متهمی در جریان دادرسی بطور کامل رعایت خواهد شد و امکانات قانونی از هر جهت برای او فراهم خواهد بود. ولی در تهران همین مدافع عدالت فتوی داد که "این هائی که در بازداشت هستند (مقامات عالیرتبه رژیم پیشین) متهم نیستند بلکه مجرمند. باید فقط هویتشان را ثابت کرد و بعد همه آنها را کشت. اصلاً احتیاج به محاکمه آنها نیست و هیچگونه ترحمی هم در باره آنها مورد ندارد. ما معتقدیم که مجرم اصولاً محاکمه ندارد و باید او را کشت".

در همان روزهایی که "آیت اله نوفل لوشاتو" بطور پیگیر به